

گفتگوهای صلح تاجیکستان؛

راه حل واقعی کدامست؟

اکنون که گفتگوهای صلح تاجیکستان در شهر عشق آباد (اشک آباد) واقع در جمهوری ترکمنستان، در جریان است، مسأله افغانستان و الگوی گفتگوهای صلح افغانستان، می تواند بسیار آموزنده و راهنما باشد. اما متأسفانه در این مورد نیز ناظر هستیم که در گفتگوهای صلح تاجیکستان از همان الگوی گفتگوهای صلح افغانستان پیروی شده است. یعنی تنها کسانی به دور میز گفتگو گرد آمده اند که از «قدرت اسلحه» برخوردارند، بدون این که لامحاله از مشروعیت ملی نیز برخوردار باشند. امروز در شهر عشق آباد (اشک آباد)، تنها صاحبان جنگ افزار، چه در قالب دارندگان قدرت حکومتی و چه در قالب گروههای مسلح مخالف، به نام مردم، دور میز گفتگو نشسته اند.

از دیدگاه گروهی از ناظران، دولت حاکم بر تاجیکستان، از آنجا که با نوعی کودتا بر کشور حاکم شده است و با کشتار و ارباب به حکومت ادامه می دهد، فاقد مشروعیت ملی و قانونی است. مخالفان مسلح دولت مزبور نیز، حداکثر از نوعی پشتیبانی قبیله ای، آن هم در مقیاس بسیار اندک، برخوردارند. داشتن جنگ افزار، بدان معناست که این گروهها از سوی حکومت یا حکومتی حمایت می شوند. در این جا، سخن بر سر نیک و بد حمایت کننده یا حمایت کنندگان نیست، حرف بر سر اصل «حمایت خارجی» است.

در سال اخیر، بارها شاهد بوده ایم که برخی گروههای مسلح در افغانستان موضع خود را عوض کرده اند. این وضعیت بدان معناست که یا حامیان آن گروهها عوض شده اند و یا حکومتی با پرداختن های کلان تر، آن گروهها را به خدمت خود در آورده اند. بدین سان، این گونه گروهها افزون بر تغییر موضع سیاسی، حتی تغییر موضع عقیدتی نیز داده اند. اوج مسأله گروههای مسلح در افغانستان، خلق یک شبهه ای گروه مجعول «طالبان» بوده که از سوی دستگاههای اطلاعاتی عربستان سعودی و پاکستان، ایجاد شد و در صحنه افغانستان ظهور کرد و به سرعت نیز گسترش یافت.

از سوی دیگر، گاهی به مسأله ای کردستان آن سوی مرز (واقع در قلمرو حکومت عراق)، نیز می تواند بسیار بحث انگیز و آموزنده باشد. ما در آن جا نیز هر روز شاهد تغییر موضعها، تغییر سیاستها، دسته بندی های جدید و متحدان و دشمنان تازه ای هستیم.

در مورد تاجیکستان نیز، چنانچه اشاره رفت، این اشتباه تکرار شده است و برای دستیابی به صلح، کسانی به

دور میز مذاکره نشسته اند که از نظر مشروعیت، تنها «اسلحه» به کیف دارند. در این جا نیز از مردم و نمایندگان واقعی آنان اثری نیست.

هم امروز، دست کم دو حزب ریشه دار ملی، یعنی سازمان ملی آریانای بزرگ و «سازمان ملی رستخیز» در کشور تاجیکستان وجود دارد. افزون بر این دو سازمان، حزب دموکراتیک تاجیکستان نیز با وجود زور و رو بودن با مشکلاتی، هنوز فعال است و در میان مردم ریشه دارد. این گروهها بدلیل این که به خارج وابسته نیستند و تمایلی هم به وابستگی ندارند، دارای پول و در نتیجه جنگ افزار برای مسلح کردن افراد و پرداختن حقوق آنان نیستند. در حالی که به ویژه دو سازمان آریانای بزرگ و رستخیز از نفوذ ژرفی میان روشنفکران و توده های مردم تاجیکستان و دیگر تاجیکان برخوردارند. البته باید یادآور شد که گروههای مزبور، با وجودی که بسیاری از افرادشان بدست حکومت «امام علی رحمانوف» کشته شده، زندانی گردیده و از کشور رانده شده اند، معتقدند که حل مسأله تاجیکستان، در گرو یک «راه حل مسلحانه» نیست.

نقش هنرمندان و فرهیختگان

از سوی دیگر، برخی از زنان و مردان علم و ادب، فرهنگ و سیاست کشور تاجیکستان، در سر تا سر منطقه ی خوارزم و فرارود و دیگر جمهوری های شوروی سابق، دارای شهرت و معروفیت ویژه ای هستند. اینان، افزون بر این که مورد احترام و وثوق توده های تاجیکانند، از احترام ویژه ای نیز در میان روشنفکران و برخی سیاستمداران روشنفکر فدراسیون روسیه نیز برخوردارند. کوتاه سخن این که این زنان و مردان، از موقع و موضع بسیار خوبی در میان روشنفکران و آگاهان سیاسی شوروی سابق برخوردارند. حضور چنین افرادی در گفتگوهای صلح می تواند، پشتیبانی بسیاری از روشنفکران و آگاهان جمهوری های شوروی سابق را که برای موفقیت این گفتگوها بسیار مورد نیاز است، برانگیزد. مصالح ملی ما که با مصالح ملی تاجیکستان پیوند ژرفی دارد، حکم می کند که کوشش های لازم را برای راهیابی گروههای سیاسی یاد شده و شخصیت های فرهنگی و علمی مزبور به کنفرانس صلح تاجیکستان انجام دهیم. در این میان، ایران دارای مسئولیت ویژه ای است. نباید اجازه دهیم که تاجیکستان نیز به سرنوشت افغانستان دچار شود.

امروز همه ی سرزمین های واقع در قلمروی فرهنگی

و تاریخی ایران در آتش جنگهای داخلی می سوزد. از کردستان گرفته تا افغانستان و تاجیکستان، برادر کشی است و جنگ داخلی. حکومت های همسایه، منطقه و فرامنطقه در ایجاد و ادامه ی این برادر کشی ها، مقاصد شوم خود را دنبال می کنند. این وظیفه ی ماست که درست در عکس آن عمل کنیم؛ یعنی برادر کشی ها را به صلح و دوستی بدل سازیم.

از این رو بایست تلاش کرد تا افزون بر دو سازمان «ملی آریانای بزرگ» و «مردمی رستخیز»، و نیز حزب دموکراتیک تاجیکستان، دست کم از زنان و مردان فرهیخته که نام برخی از آنان را یاد می کنیم، برای شرکت در این گفتگوها دعوت شود. حضور این گروهها و مردمی که تنها وابستگی آنها عشق به «تاجیکستان» است، می تواند در یافتن راه حل مناسب در این زمینه کارساز باشد.

این کسان سرمایه های معنوی ملت تاجیکستان هستند، باید از آنان برای حل مسأله تاجیکستان باری جست. این توهم پیش نیاید که اگر از زنان و مردان فرهیخته ی دیگر نام برده نشده است، از روی قصد و غرضی است. اینان را ما به عنوان مشت نمونه ی خرواز، نام می بریم:

خانم گلرخسار، شاعر برآوازه ی تاجیکستان

دکتر مؤمن قناعت، شاعر و سیاستمدار تاجیکستان

بازار صابر، شاعر و سیاستمدار تاجیکستان

اردمهر، سیاستمدار و رهبر سازمان ملی آریانای بزرگ

دکتر طاهر عبدالجبار، سیاستمدار و رئیس سازمان مردمی رستخیز

جمعه یای نیازی، دانشمند و رئیس حزب دموکراتیک تاجیکستان

دکتر آریان فر، پژوهشگر و سیاستمدار

بابا اکرامی، نویسنده و روزنامه نگار اهل تاجیکستان

دولت خدانظر، هنرمند مشهور تاجیکستان و شوروی سابق حضور دو سازمان مزبور و هم چنین حزب دموکراتیک تاجیکستان و افراد نام برده شده در بالا، می تواند گفتگوها را منطقی کرده و آن را به نتیجه ی مورد دلخواه مردم تاجیکستان برساند.

حضور کسانی به عنوان صاحب اسلحه، در حالی که همه می دانند این اسلحه و پول از کجا می آید و برای چه می آید، نمی تواند گفتگوها را به سرانجام نیکي راهبر شود.

ط ه